

۱۶ مرداد نقطه عطفی در جنبش انقلابی کردستان!

حسن رحمان پناه

روز ۱۸ تیر ۱۳۸۴ شوانه سید قادری اهل مهاباد هدف تیراندازی نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار گرفت و به شدت زخمی شد. ماموران رژیم جمهوری اسلامی با دستگیری، شکنجه وحشیانه و قتل و گرداندن جسد مثله شده شوانه این جوان مبارز در خیابان‌های شهر قصد داشت مردم این شهر را مرعوب و وحشت زده کند. گردانندگان این سناریوی ضدانسانی تصور می‌کردند همچنانکه در سال ۵۹ جنازه ۵۹ زندانی سیاسی را بعد از اعدام از تلویزیون مهاباد نشان دادند و فضای رعب و وحشت ایجاد کردند، می‌توانند دوباره این تجربه را تکرار کنند. اما بی‌خبر از اینکه اکنون جنایات رژیم نه تنها مردم را وحشت زده نمی‌کند بلکه چنین جنایاتی باعث انزجار و نفرت عمیق‌تر از رژیم و روحیه همبستگی و همدلی در میان مردم ناراضی را بیشتر تقویت می‌کند. رفتار ضدانسانی جمهوری اسلامی با جسد یک مبارز خوشنام، احساسات مردم شهر مهاباد را به شدت تحریک کرد و مردم این شهر به جای ترس و وحشت، دست به اعتراض و ناراضی‌های متحدانه زدند. آنان با بستن دکان و بازار و محل کار خود، انتخاب نماینده و خواست مجازات آمرین و عاملین قتل شوانه نفرت خود را از جمهوری اسلامی و سیاست‌های ضدانسانیش نشان دادند. رژیم اسلامی به جای جواب به خواست‌های مردم ناراضی طبق روال همیشگی خود به سرکوب بیرحمانه آنان پرداخت. اعتراض عادلانه مردم مهاباد ادامه یافت تا سرانجام خواست و مطالبات آنان توسط مردم ناراضی در دیگر شهرهای کردستان مورد حمایت قرار گرفت. در مدت کوتاهی این اعتراضات همه‌گیر شد و تمام شهر و شهرک‌های کردستان را فراگرفت.

مردم خشمگین علیه جمهوری اسلامی و سیاست‌های ضدانسانی آن به خیابان آمدند و مطالبات خود را مطرح کردند. رژیم اسلامی وحشیانه به جان مردم بیدفاع افتاد و تنها در شهر سقز ۱۳ نفر را قتل عام و دهها تن دیگر را مجروح کرد. مبارزات عادلانه مردم کردستان از همان لحظات اولیه توسط سرکوبگران جمهوری اسلامی به خشونت کشیده شد. مردم کردستان در برابر جنایات جمهوری اسلامی اشکال مختلف مبارزه از مقاومت شجاعانه، اعتراض دستجمعی و تظاهرات، انتخاب نماینده و ملاقات با نمایندگان رژیم در شهرهای مختلف، تحصن و بستن دهن خود با چسب و غیره را در پیش گرفتند. اما جمهوری اسلامی به جای جواب به مطالبات مردم، آنان را وحشیانه سرکوب کرد. زندان‌ها را از فعالین و ناراضیان پرکردند. بیش از ۲۰ کشته، صدها زخمی و بالغ بر هزار نفر دستگیر شده گوشه‌ای از کارنامه سیاه حکومت اسلامی علیه مردم به پاخاسته کردستان در عرض یک ماه اعتراض و مبارزه سراسری و متحدانه آنان بود. هنوز هم دهها تن از معترضین دستگیر شده

در سیاهچال‌های حکومت اسلامی تحت شکنجه قرار دارند.

کشتار مردم کردستان و مقاومت سراسری

اگرچه سرآغاز دور اخیر اعتراضات مردم کردستان قتل فجیع و وحشیانه شوانه سیدقادی در مهاباد بود، اما این جنایات در حیات جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان امری تازه به حساب نمی‌آید. جنگ خونین بهار ۵۸ علیه مردم سنندج، فرمان جهاد خمینی علیه مردم کردستان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ و تحمیل جنگ ناخواسته و شکل گرفتن مقاومت عادلانه در مقابل آن، گلوله باران شهر مقاوم سنندج به مدت ۲۴ روز و کشته و مجروح کردن صدها تن از مردم مبارز این شهر قصابی مردم کردستان از پایه و نوسود تا مهاباد، سقز و بانه توسط خلخال‌ی جلاد و به فرمان مستقیم خمینی، قتل عام مردم زحمتکش روستاهای قارنا و قلاتان، سوزی و ختای و سرچنار و چندین روستای دیگر در مناطق مختلف کردستان، اعدام ده‌ها جوان مبارز در قتلگاه‌های اسلامی، کشتار وحشیانه مردم سنندج در ۳ اسفند ۱۳۷۷ در اعتراض به دستگیری رهبر حزب کارگران کردستان و دهها نمونه دیگر، بخشی از کارنامه مملو از سرکوب و جنایات رژیم اسلامی در طول حاکمیت سرکوبگرانه آن در کردستان است.

اما آنچه که باعث شد جنایات ۱۸ تیر رژیم اسلامی در مهاباد این بار بی جواب نماند و آن را به جنبش سراسری در کل کردستان تبدیل کرد، تغییر در توازن قوا میان مردم و جمهوری اسلامی به نفع مبارزه عادلانه و روزانه مردم و به زیان رژیم بود. قتل فجیع شوانه سیدقادی بهانه‌ای برای ابراز انزجار عمومی مردم کردستان از جمهوری اسلامی و سیاست‌های سرکوبگرانه آن در طول ۲۶ سال گذشته بود. اگر توازن قوا میان مردم و رژیم از مدتها قبل به نفع مردم عوض شده بود، اما در انتخابات اخیر رئیس‌جمهور و در "نه" بزرگ و هماهنگ مردم کردستان به آن، مضحکه از هرزمان دیگری بیشتر آشکار گردید. اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد ماه به فراخوان کومه‌له این انزجار توده‌ای را به شکل سازمانیافته و آگاهانه به اوج خود رساند.

تصمیم تاریخی و جواب شایسته در ۱۶ مرداد

اعتراضات گسترده و روزانه مردم کردستان در شهرهای مختلف که از مهاباد آغاز شده بود در سراسر کردستان ادامه داشت. این اعتراضات علی‌رغم اینکه همه مناطق کردستان را فراگرفته بود و علی‌رغم تأثیر احزاب و جریان‌های درگیر در مبارزات روزانه مردم کردستان، یک حرکت هماهنگ و سازمانیافته نبود. خواست و مطالباتش یک دست و همصدا نبود. همچنین علی‌رغم نفرت و انزجار عمومی از رژیم و سیاست‌های آن، اما افق و چشم انداز این اعتراضات و سرانجام این مبارزات نامشخص بود. از سوی دیگر خشونت و قساوت رژیم در بکار بردن زور و سرکوب که در کشتار

وحشیانه شهرهای اشنویه و سقز خود را نشان داد، نگرانی‌های جدی را در مورد آینده اعتراضات اخیر برای هر فعال و دلسوز جنبش انقلابی کردستان بوجود آورده بود. این وضعیت نیاز به جواب داشت. شرایط و تند پیچ تاریخی معینی برای جنبش انقلابی کردستان و مبارزه عادلانه آن پیش آمده بود که کشتار روزانه مردم ناراضی و فرسوده شدن نیرو و سرکوب این اعتراضات بعنوان روندی قابل مشاهده آشکارا دیده می‌شد. این شرایط خطیر نیاز به هدایت آگاهانه داشت تا دست آوردهای کسب شده را تثبیت و در یک حرکت متحدانه، مطابق نقشه و سازمانیافته پیروزی را اعلام کند. تشخیص شرایط ایجاد شده از جمله فرسوده شدن نیروی مردم معترض در اعتراضات روزانه همراه با قلع و قمع مردم و ایجاد یاس و ناامیدی از جانب رژیم و پراکنده بودن اعتراضات و ناروشن بودن افق مبارزات توده‌ها، شرایط معینی بود که کومه له به درست آن را تشخیص داد و راه حل عملی و ممکن همراه با تثبیت دستاوردهای کسب شده و اعلام پیروزی را در مقابل مردم کردستان قرار داد. فراخوان اعتصاب عمومی در ۱۶ مرداد و جواب یکپارچه مردم کردستان به این فراخوان جواب شایسته و مناسب به یک ماه اعتراض و مبارزه رودرروی مردم کردستان با رژیم اسلامی بود که در عمل متحدانه مردم کردستان جواب پیروزمند خود را گرفت.

اما تصمیم به فراخوان اعتصاب عمومی در کردستان ابتدا به ساکن و بی زمینه نبود. بلکه محصول و ادامه استراتژی جریان رادیکال و سوسیالیست در جنبش انقلابی کردستان در طول ۲۶ سال گذشته جهت سازماندهی و به میدان آوردن نیروی متحد و آگاهانه مردم ناراضی علیه حکومت اسلامی سرمایه بود. سازماندهی مقاومت توده‌های در بهار خونین سنندج، سازماندهی کوچ تاریخی مردم مریوان در اعتراض به جنایات پاسداران در این شهر و سازماندهی راهپیمایی از شهرهای سنندج، سقز، بوکان، بانه و مهاباد در حمایت از مردم مریوان، تحصن در مقابل استانداری سنندج، خلق کرد در بوته آزمایش در جواب به فرمان جهاد خمینی در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ و سازماندهی جنگ مسلحانه در مقابل رژیم اسلامی، سازمانده تشکل کارگران و زنان، مراسم اول ماه مه‌ها، اعتصاب کارگران کوره‌پزخانه‌ها و ده‌ها حرکت توده‌ای و انقلابی دیگر در کردستان بخشی از تاریخ حیات سیاسی، اجتماعی و تشکیلاتی جریان چپ و کمونیست جامعه یعنی کومه له در طول ۲۶ سال گذشته است. فراخوان به اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد ادامه این روند و در همان حال نقطه اوج آن در شرایط خفقان و کشتار روزانه و میلیتاریسم گسترده‌ای بود که از یک ماه قبل شدیدتر از گذشته بر کردستان حاکم شده بود. پیروزی این حرکت و این تصمیم تاریخی، بار دیگر کومه له را بعنوان هدایت کننده جنبش انقلابی کردستان با سیاست‌ها و مطالبات عملی ممکن و رادیکال و در همان حال متکی به نیروی آگاه مردم کارگر و زحمتکش برای تغییر در جامعه کردستان تثبیت و نشان داد راه حل چپ و

انقلابی در کردستان از حمایت توده‌ای به‌رمند است. نقطه‌امیدی که هم اکنون و در فردای پیروزی انقلاب در ایران برای جنبش کارگری و چپ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اما این پیروزی و ابعاد آن ابدأ تشکیلاتی و مختص به تشکیلات کومه‌له نیست، بلکه جنبش و مدیون کار آگاه‌گرانه و لحظه به لحظه تمام فعالین و رهبران جنبش عملی در داخل کردستان، تمام سازمان‌ها و احزاب و شخصیت‌های انقلابی و مبارزی است که در داخل و خارج کشور از این حرکت حمایت کردند و امکان پیروزی آن را فراهم نمودند و از فراخوان کومه‌له پشتیبانی کردند.

از سوی دیگر اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد و پیروزی در آن، راه حل لیبرالی و ناسیونالیستی از جمله بی‌اعتمادی به نیروی تحول‌بخش توده‌های معترض و ناراضی را بیشتر به حاشیه راند و نشان داد مردم کردستان با عمل متحدانه خود قادر به تغییر در شرایط زندگی اجتماعی و سیاسی خویش و کسب خواست‌های عادلانه و انسانی خود هستند. حزب دمکرات کردستان ایران با سکوت و سازمان‌زحمتکشان کردستان ایران (جریان انشعابی از کومه‌له) با مخالفت و جریان لیبرالی ایران نیز با سکوت و اولویت دادن به اعتصاب غذای اکبر گنجی علیه اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد قرار گرفتند و بیگانگی خود را با مطالبات عادلانه مردم کردستان و راه حل از پایین و رادیکال نشان دادند. از بخت بد این طیف فعلاً امیدی هم به راه حل آمریکایی حل مسئله کرد و عراقیزه کردن ایران و کردستان دیده نمی‌شود.

بخش زیادی از چپ ایران، نهادهای کارگری و فعالین سیاسی منفرد از این حرکت حمایت کردند و در کنار مردم ستم‌دیده کردستان قرار گرفتند.

از سوی دیگر اعتصاب عمومی و هماهنگ روز ۱۶ مرداد شکل نویی از اعتراض و مبارزه و افق نوینی را در برابر مردم کردستان گشود و راه حل‌های سنتی و از بالاسر توده‌های ناراضی را هرچه بیشتر به حاشیه راند. مردم کردستان با این اعتصاب پیروزمند احساس پیروزی و غرور و همبستگی عمیق می‌کنند. تأثیر این اعتصاب و پیروزی، در حال و آینده برای مدافعان و مخالفین آن بی‌تردید غیرقابل انکار خواهد بود و نام و عملکرد آنان در تاریخ این دوره از مبارزه آزادیخواهانه مردم کردستان ثبت خواهد شد. اعتصاب پیروزمند ۱۶ مرداد ماه بار دیگر جنبش انقلابی کردستان و جریان رادیکال و انقلابی در رهبری این جنبش (کومه‌له) را در داخل ایران و خارج کشور در سطح بسیار گسترده‌ای مطرح و بار دیگر کردستان را بعنوان سنگر انقلاب ایران در اذهان زنده کرد.

اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد پایانی بر اعتراض و مبارزه مردم کردستان نیست، بلکه آن را به شکل آگاهانه، سازمان‌یافته و یکپارچه هدایت کرد. خواست‌های روشنی را پیش پای سران و سرکوبگران جمهوری اسلامی قرار داد و تحقق آنان را به نیروی مردم ناراضی قابل یافتن دانست. اعتصاب

عمومی در کردستان با چنین ابعاد و گستردگی جنبش انقلابی کردستان را یک گام مهم به جلو سوق داد و این پیروزی به نقطه عطفی در جنبش عدالت خواهانه کردستان تبدیل شد.

بی‌گمان پیروزی‌های آینده در گرو تشکیل یابی توده‌ای و طبقاتی کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و مردم عدالت خواه، تشخیص درست و بموقع توازن قوا در نبرد با رژیم، جلب حمایت جنبش‌های رادیکال و انقلاب سراسری از جمله جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش جوانان و پیوند عمیق و فشرده با آنان و سرانجام مبارزه متحدانه و هماهنگ برای پایان دادن به حاکمیت سرکوبگرانه اسلامی در سراسر ایران است. پیروزی که در آن، پایان دادن به ستم و بیعدالتی از جمله ستم ملی و فضای نظامی و میلیتاریستی در کردستان و راه گشایی به سوی رهایی نهایی از هرگونه ستم و سرکوب اولین قدم‌های آن خواهد بود

۲۴ مرداد ۱۳۸۴

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۵۵